



## بررسی آرای علمای وهابی در شرک ربوبی، بر اساس دیدگاه ابن جریر طبری

سیدمصطفی هاشمی نجف آبادی\*

روح‌الله حیاتی مقدم\*\*

### چکیده

انسان‌ها در طول تاریخ خدایانی غیر از الله داشتند و آنها را می‌پرستیدند؛ چراکه آنان را ارباب خود می‌دانستند و نعمت‌های خود را از آنان می‌پنداشتند. انبیا علیهم‌السلام با کتاب‌های آسمانی به‌سوی آنان آمدند تا ربوبیت را از غیر خدا نفی کرده و مردم را از قید عبودیت غیر او رها سازند؛ بر همین اساس، بسیاری از آیات قرآن کریم در اثبات ربوبیت برای الله و نفی ربوبیت از غیر او نازل گردید. ابن جریر طبری از مفسران اهل سنت، با بررسی آیات قرآن، چنین نتیجه گرفته است که شرک مشرکان تنها در شرک الهی خلاصه نمی‌شود و آنان در ربوبیت خدای متعال نیز، مشرک بودند؛ در حالی که وهابی‌ها با استناد به چند آیه از قرآن، انسان‌ها را در ربوبیت خداوند موحد دانسته و رسالت انبیا را در دعوت به توحید عبادی خلاصه می‌کنند. طبری در تفسیر جامع البیان بر این نکته تأکید داشته که مشرکان، اگرچه عالم به ربوبیت الله بوده و به این امر اقرار داشته‌اند، ولی در عمل، ربوبیت غیر خدای متعال را پذیرفته‌اند. در این مقاله دیدگاه وهابیت و ابن جریر طبری در ربوبیت خدای متعال مورد مقایسه قرار می‌گیرد و در نهایت روشن می‌گردد که دیدگاه وهابیت، مورد تأیید طبری نمی‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** شرک ربوبی مشرکان، وهابیت، طبری، ربوبیت.

\* دانش‌پژوه سطح چهار موسسه دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت:.

\*\* پژوهش‌گر موسسه دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت:.

## مقدمه

حس شکرگزاری از صاحب نعمت، در ضمیر هر انسانی نهاده شده و همین احساس است که هر انسانی را به خضوع در برابر خداوند که خالق و رب عالمیان است، می‌کشانند؛ البته به این شرط که انسان‌ها، نعمت‌های خود را از جانب پروردگارشان بدانند و ربوبیت او را بپذیرند؛ ولی همان‌طور که خداوند در قرآن بیان داشته، انسان‌ها در طول تاریخ به انحراف رفته و غیر خدا را صاحب نعمت خود دانسته‌اند؛ لذا انبیای الهی، بسیار تلاش کردند، ربوبیتِ الله را به اثبات برسانند و نفی ربوبیت از غیر خدا کنند.

با وجود اینکه قرآن کریم از دعوت انبیا به توحید ربوبی سخن گفته، اما علمای وهابی با تأثیرپذیری از ابن تیمیه<sup>۱</sup> و با استناد به برخی از آیات، قائل به توحید ربوبی مشرکان شدند. این دیدگاه وهابیت، مورد تأیید ابن جریر طبری<sup>۲</sup> نمی‌باشد؛ چراکه او در تفسیر بسیاری از آیات قرآن، بر شرک ربوبی مشرکین تأکید دارد.

با توجه به اینکه وهابی‌ها فقط خودشان را موحد و دیگران را مشرک می‌دانند، مقایسه تطبیقی دیدگاه آنها با دیدگاه ابن جریر که از مفسران مورد قبول وهابیت است،<sup>۳</sup> ضروری به نظر می‌رسد و این مقایسه، عدم درک صحیح آنان از توحید و شرک را به اثبات می‌رساند و معلوم می‌گرداند، کسانی که غیر از خود همه را مشرک می‌دانند، خودشان تصور

۱. احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیه حَزَانی (۷۲۸-۶۶۱ق)، از علمای اهل سنت و اندیشمند تأثیرگذار سلفی بود. ابن تیمیه نزد افرادی مانند مجد بن عساکر تحصیل کرد و از مهم‌ترین شاگردان او می‌توان به ابن کثیر و ابن قیم جوزیه اشاره کرد. تألیفات ابن تیمیه را بیش از ۳۰۰ اثر ذکر کرده‌اند. وی در بسیاری از حوزه‌های علوم اسلامی از جمله کلام، تفسیر، فقه و حدیث، دیدگاه‌های مستقل و خاص دارد. ابن تیمیه در شصت مسأله برخلاف اجماع نظر داده که برخی از آنها مربوط به اصول دین و برخی مربوط به فروع دین است؛ به همین دلیل، علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت و شیعه، نقدها و ردیه‌های بسیاری بر آثار او نوشته‌اند. بسیاری از دیدگاه‌های جریان‌های سلفی از جمله وهابیت در اندیشه‌های ابن تیمیه ریشه دارد. نظرات عالمان دینی و نویسندگان درباره ابن تیمیه بسیار متفاوت است؛ برخی او را ستوده و برخی تا حد کفر، نکوهش کرده‌اند.

۲. محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ق)، از مفسران و مورخان و فیلسوفان و بزرگان علمای اهل سنت است که در قرن سوم هجری زندگی می‌کرد. او که ملقب به امام طبری و امام المفسرین و امام المورخین است، دارای آثار بسیار از جمله تفسیر طبری و تاریخ طبری است. آثار وی مورد قبول تمام اهل سنت و به‌خصوص وهابیت است.

۳. وهابی‌ها کتاب تفسیری ابن جریر طبری را به دلیل آنکه دیدگاه‌های سلف را نقل می‌کند و به آن تمسک می‌جوید، تفسیری با ارزش می‌دانند و در آثار خود، بسیار از این تفسیر بهره می‌جویند؛ مثلاً حازمی در کتاب شرح سلم الوصول فی علم الأصول او را چنین توصیف می‌کند: «قال الطبري ابن جرير وهو امام المفسرين»؛ یا محمد بن ابراهیم آل‌شیرخ در کتاب فتاوی و رسائل در مورد او می‌گوید: «ورجح هذا القول إمام المفسرين أبو جعفر محمد بن جرير الطبري».

صحیحی از توحید و شرک ندارند!

در اثبات شرک ربوبی مشرکین کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. کتبی مانند الروية الوهابية للتوحيد و اقسامه، اثر مصطفى عثمان النابلسی و یا کتاب التوحيد و الشرک فی القرآن، اثر آیت‌الله سبحانی و یا مقاله «وهابیت و توحید ربوبی»، اثر علی‌زاده موسوی از جمله‌ی این آثار هستند؛ ولی مقاله‌ای که عقیده آنان را از طریق بیان دیدگاه طبری به نقد بکشاند وجود ندارد. تفسیر طبری به دلیل اینکه اقوال سلف را بیان کرده، جایگاه خاصی نزد وهابی‌ها دارد؛ لذا این اثر به دنبال آن است که در بحث ربوبیت، با مقایسه دیدگاه وهابیت با دیدگاه طبری، اثبات کند، نظر وهابیت در توحید و شرک بر اساس آرای بزرگان‌شان نیست و به همین دلیل است که در بحث توحید و شرک، با تمام مسلمانان نزاع دارند و همه را (به غیر از خود)، مشرک می‌دانند.

در این مقاله، ابتدا استدلال وهابیت بر توحید ربوبی مشرکین مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در ادامه، دیدگاه طبری در مورد شرک ربوبی مشرکان بیان می‌شود و با مقایسه دیدگاه وهابیت با دیدگاه طبری، معلوم می‌گردد که نگاه وهابیت در ربوبیت، مورد تأیید طبری نیست.

### مفهوم شرک ربوبی

شرک در لغت، به معنای مقارنت و اشتراک دو نفر با هم در یک شیء است؛<sup>۱</sup> همچنین «رب» در لغت به معنای مالک، سرور، مدبر، مربی، سرپرست و منعم است.<sup>۲</sup> در فرهنگ قرآن، شرک به معنای قرار دادن شریک برای خدای متعال است؛<sup>۳</sup> همچنین، در فرهنگ قرآن، اعتقاد به تدبیر و تربیت و نظام‌بخشی عالم توسط غیر خداوند، «شرک ربوبی» نام

۱. «الشین و الراء و الکاف أصلان، أحدهما يدل على مقارنة و خلاف انفراد... فالأول الشَّرْكَ، و هو أن يكون الشيء بين اثنين لا ينفرد به أحدهما»؛ (ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۶۵).

۲. «الرَّبُّ يطلق في اللغة على المالك، و السَّيد، و المدبِّر، و المربِّي، و القَيِّم، و المنعم»؛ (ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۲، ص ۱۷۹).

۳. «وهو إثبات شريك لله تعالى»؛ (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۵۱).

دارد؛<sup>۱</sup> چنانچه در ادامه این مقاله خواهد آمد، قرآن کریم بیان می‌دارد: مشرکان معتقد بودند، نفع و ضرر به دست خدایانشان است؛ به همین خاطر، از آنها طلب روزی و نصرت و عزت می‌کردند و آنها را می‌پرستیدند تا آنها نزد الله عزوجل، برای مشرکان طلب شفاعت کنند.

پس از تبیین معنای شرک ربوبی، در ادامه، دیدگاه وهابیت در رابطه با شرک ربوبی مشرکین، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## وهابیت و شرک ربوبی مشرکین

علمای وهابی با تقسیم توحید به توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت و توحید در اسماء و صفات،<sup>۲</sup> مشرکین را در ربوبیت خداوند موحد دانسته<sup>۳</sup> و بر این باورند که بدون داشتن توحید الوهی، توحید ربوبی فایده‌ای به حال انسان ندارد.<sup>۴</sup> آنان که در این دیدگاه پیرو ابن- تیمیه هستند،<sup>۵</sup> آیاتی از قرآن را به عنوان شاهد بر مدعای خود ذکر می‌کنند؛ ولی این آیات دلالتی بر اثبات مدعای آنان ندارد؛ در ادامه با ذکر چند آیه، دیدگاه وهابیت بررسی خواهد شد.

### ۱. سوره بقره آیات ۲۱ و ۲۲

آیاتی که از نظر وهابی‌ها بر توحید ربوبی مشرکین اشاره دارد، آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بقره

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۳، ص ۳۷۴.

۲. «ینقسم التوحید إلى ثلاثة أقسام: ۱. توحید الربوبية ۲. توحید الألوهية ۳. توحید الأسماء والصفات»؛ (ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۲).

۳. «توحید الربوبية... وهذا النوع من أنواع التوحید قد أقر به الكفار، وشهد لهم القرآن بذلك»؛ (غامدی، محمد بن عبد الله، حماية الرسول صلى الله عليه وسلم حمى التوحید، ص ۲۱۱)؛ «فلم ینفعهم توحید الربوبية مع الشریک فی الإلهية، كما قال تعالى: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾»؛ (ابن عبد الوهاب، محمد، تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید الذی هو حق الله علی العیبد، ص ۵۷).

۴. «توحید الربوبية وهو الشهادة بأنه لا یخلق ولا یرزق ولا یحیی ولا یمیت ولا یدبر الأمور إلا هو وهذا حق، ولكن أعظم الکفار کفراً الذین قاتلهم رسول الله صلى الله عليه وسلم یشهدون به ولم یدخلهم فی الإسلام»؛ (ابن عبد الوهاب، محمد، الرسائل الشخصية، ص ۱۴۵).

۵. «فالتوحید الذی بعث الله به رسله وأنزل به کتبه هو ان یعبد الله وحده لا شریک له فهو توحید الالهية وهو مُستلزم لتوحید الربوبية وهو ان یعبد الحق رب کل شیء فأما مُجَرَّد توحید الربوبية وهو شُهود ربوبية الحق لكل شیء فهذا التوحید کان فی المُشْرِکین كما قال تعالى: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾»؛ (ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم، الاستقامة، ج ۲، ص ۳۱).

است. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ \* الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید. آن کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید. آن کسی را که زمین را بستر شما، و آسمان (جو زمین) را مانند سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد؛ بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید؛ در حالی که می‌دانید هیچ‌یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند و نه شما را روزی می‌دهند.

عبدالرحمن سعدی<sup>۱</sup> از علمای وهابی در تفسیرش، این آیه را از ادله توحید ربوبی می‌داند و بیان می‌کند: خداوند در این آیه با ذکر دلیل عقلی، بر توحید در عبادت استدلال می‌کند. وی چنین می‌نویسد:

﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ «أَي: نظراء وأشباها من المخلوقين، فتعبدونهم كما تعبدون الله... ﴿وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ أن الله ليس له شريك، ولا نظير، لا في الخلق، والرزق، والتدبير... فإذا كان كل أحد مقرا بأنه ليس له شريك في ذلك، فكذلك فليكن إقراره بأن الله لا شريك له في العبادة، وهذا أوضح دليل عقلي على وحدانية الباري، وبطلان الشرك»؛<sup>۲</sup> برای خداوند در عبادت، نظیری از مخلوقات قرار ندهید؛ در حالی که می‌دانید برای او نظیر و شریکی در خلق و رزق و تدبیر نیست. هر کسی به شریک نداشتن خدا در ربوبیت اقرار کند، باید به توحید او در عبادت اقرار کند و این واضح‌ترین دلیل عقلی بر اثبات توحید و بطلان شرک است.

بنابراین همان‌طور که مشاهده شد، عبدالرحمن سعدی آیه را دلیل بر توحید ربوبی می‌داند و بیان می‌کند که خداوند به وسیله توحید ربوبی که مشرکین بر آن بودند، بر توحید در عبادت استدلال می‌کند؛ چرا که لازمه عقلی توحید ربوبی، توحید در عبادت است و خداوند با این دلیل عقلی، توحید عبادی خود را اثبات می‌کند.

۱. شیخ عبدالرحمان بن ناصر بن عبدالله آل سعدی ناصری تمیمی متولد ۱۳۰۷ق و متوفای ۱۳۷۶ق، از مفسران و علمای وهابی است که در شهر «عنيزة» از توابع نجد به دنیا آمد. وی از استادانی چون شنفیطی بهره برد و کتاب‌های بسیاری در زمینه علوم اسلامی از جمله تفسیر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان را از خود به جای گذاشت.  
۲. سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج ۱، ص ۴۴.

فطرت انسان‌ها هرچند بر اساس توحید شکل گرفته و می‌دانند خداوند رب و اله آنان است،<sup>۱</sup> ولی باز فریب دنیا را می‌خورند و به سراغ ربوبیت و عبودیت غیر خدا می‌روند.<sup>۲</sup> شیطان نیز قسم خورده است که آنان را از راه مستقیم منحرف کند؛<sup>۳</sup> البته این غفلت دائمی نیست و انسانی که معبودی غیر از خدا دارد و از او طلب حاجت می‌کند، در هنگام خطر او را فراموش می‌کند و بر اساس فطرت خود، متوجه رب و اله واقعی خود می‌شود و از الله تبارک و تعالی طلب کمک می‌کند؛<sup>۴</sup> بنابراین، مشرکان هرچند معرفت فطری نسبت به ربوبیت خدای متعال داشتند، ولی اعتقادات آنان بر اساس آن معرفت شکل نگرفته بود؛ لذا طبری با توجه به این واقعیت در ذیل آیه شریفه، چنین می‌نویسد:

«فَأَمَرَ الْفَرِيقَيْنِ بِالْأَسْكَانَةِ، وَالْخُضُوعِ لَهُ بِالطَّاعَةِ، وَإِفْرَادِ الرِّبُوبِيَّةِ لَهُ وَالْعِبَادَةِ دُونَ الْأَوْثَانِ وَالْأَصْنَامِ وَالْأَلْهَةِ. لِأَنَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ هُوَ خَالِقُهُمْ وَخَالِقُ مَنْ قَبْلَهُمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَجْدَادِهِمْ، وَخَالِقُ أَصْنَامِهِمْ وَأَوْثَانِهِمْ وَأَلْهَتِهِمْ»؛<sup>۵</sup>

خداوند به جن و انس امر فرمود که در برابر او تواضع کنید و مطیع او باشید و ربوبیت و عبادت را برای او خالص کنید و دست از ربوبیت و عبادت اوثان و اصنام و آلهه بردارید؛ چراکه او خالق آنان و پدران آنها می‌باشد و خالق اصنام و اوثان و آلهه آنان است.

همان‌طور که در کلام طبری مشاهده می‌شود، وی در این آیه به شرک مشرکان در ربوبیت اشاره دارد و چنین بیان می‌کند که خداوند، علاوه بر اینکه از مشرکان، توحید در عبادت را طلب می‌کند، آنان را به توحید در ربوبیت نیز امر می‌فرماید؛ بنابراین، طبری نه

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگون در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند!»؛ (سوره روم، آیه ۳۰).

۲. «... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»؛ «و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست!»؛ (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵).

۳. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ «گفت: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من زمین (نعمت‌های مادی) را در نظر آنها زینت می‌دهم و تمام‌شان را گمراه خواهم ساخت»؛ (سوره حجر، آیه ۳۹).

۴. «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»؛ «هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند!»؛ (سوره عنکبوت، آیه ۶۵).

۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱، ص ۳۶۲.

تنها آیه را دلیل بر توحید مشرکان نمی‌داند، بلکه در تفسیر آیه، سخن از دعوت به توحید ربوبی آنان دارد.

## ۲. سوره اعراف آیه ۱۷۲

آیه دیگری که علمای وهابی بر توحید ربوبی مشرکین اقامه می‌کنند، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است. در این آیه، سخن از پیمان خداوند بر ربوبیت است؛ همان‌طور که می‌فرماید:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾؛ به‌خاطر بیاور، زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم! چنین کرد که مبادا روز رستاخیز بگویند: ما از این غافل بودیم و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم.

عبد‌اللطیف آل‌شیخ<sup>۱</sup> از علمای وهابی، از کسانی است که قائل به توحید ربوبی مشرکین است. وی بر این اعتقاد است که هرچند مشرکان در ربوبیت خداوند موحد هستند، ولی با این وجود خداوند در بسیاری از آیات، توحید ربوبی را به آنان یادآور می‌شود و به این وسیله، زمینه را برای پذیرش توحید در عبودیت، فراهم می‌کند؛ از جمله آیاتی که از نظر وی، دلالت بر توحید در ربوبیت دارد، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است. او در بیان استدلال خود می‌نویسد:

«ولقد كرر الحق سبحانه وتعالى ذكر توحيد الربوبية في مواضع كثيرة من كتابه إقامة للبراهين الساطعة والدلائل الواضحة والحجج المقنعة على وحدانيته وجوب عبادته وطاعته وحبه والذل والخضوع له وجوب الكفر بما يعبد من دون الله والبراء منه عما سواه... قال تعالى:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...﴾»<sup>۲</sup>.

خداوند در بسیاری آیات، از توحید ربوبی یاد می‌کند تا بدین وسیله، بر یگانه بودن

۱. عبدالرحمن بن عبداللطیف بن عبدالله آل‌شیخ یکی از فرزندان محمد بن عبدالوهاب است که در ریاض متولد شد؛ از کودکی به دنبال علوم دینی رفت و پس از سال‌ها تلاش توانست به جایگاه ویژه‌ای در میان وهابیت دست پیدا کند. وی کتاب-هایی در زمینه علوم اسلامی نگاشت که از جمله‌ی آنها، کتاب البراهین الاسلامیه است.

۲. آل‌شیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، البراهین الإسلامیة فی رد الشبهة الفارسیة، ص ۱۰.

خود در عبادت و اطاعت و محبت و خضوع و وجوب کفر به معبودان دیگر، دلیل - های محکم و واضح و اقناع کننده بیاورد؛ همان طور که می فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...﴾.

عبد اللطیف آل شیخ می گوید: علت اینکه خداوند از توحید ربوبی مشرکین سخن به میان می آورد، این است که حجت را بر آنان تمام کند و در قیامت کسی بر شرک عبودی خود بهانه ای نداشته باشد؛ زیرا کسی که به ربوبیت خداوند اقرار می کند، دیگر بهانه ای بر شرک عبودی خود ندارد.

### نقد

علمای وهابی بر این باورند که به خاطر دعوت مردم به پذیرش توحید ربوبی، قرآن از توحید ربوبی سخن نمی گوید؛ بلکه خداوند از باب اتمام حجت و از این باب که آنان را به عبودیت خودش دعوت کند، توحید ربوبی را به آنان گوشزد می کند.

در اینجا اشکالی مطرح است و آن اینکه که اگر در این عالم، انسان ها در ربوبیت خداوند موحد هستند، اولاً اقرار گرفتن از آنان بر توحید ربوبی، ثانیاً تعهد گرفتن از آنان برای استوار ماندن بر سر توحید ربوبی، ثالثاً فرستادن انبیا برای یادآوری توحید ربوبی، چه معنایی می تواند داشته باشد؟

بنابراین، خداوند می دانست انسان ها در این دنیا مبتلا به شرک ربوبی می شوند؛ لذا از آنان اقرار به ربوبیت خود گرفت. طبری با توجه به این نکته، در تفسیر آیه میثاق، از ابی بن کعب چنین روایت می کند:

«اعلموا أنه لا إله غيري ولا رب غيري، ولا تشركوا بي شيئاً، وأني سأرسل إليكم رسلاً يذكرونكم عهدي وميثاقي، وسأنزل عليكم كتيباً قالوا: شهدنا أنك ربنا وإلهنا، لا رب لنا غيرك، ولا إله لنا غيرك»؛<sup>۱</sup> خداوند به انسان ها فرمود: بدانید غیر از من اله و رب دیگری ندارید. به من شرک نورزید. به زودی برای شما رسولان و کتاب هایم را می فرستم تا عهد و پیمانی را که با من بستید، به یاد شما بیاورد. آنان گفتند: شهادت می دهیم که تو رب و اله ما هستی و

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۳، ص ۲۳۹.

غیر از تو، رب و اله دیگری برای ما نیست.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در کلام طبری، سخنی از توحید ربوبی مشرکان در دنیا نیست. وی می‌گوید: خداوند در عالمی قبل از این دنیا، خودش را به‌عنوان اینکه (اله و رب) است، به انسان‌ها معرفی کرد و انسان‌ها به ربوبیت و الوهیت او گواهی دادند و قرار بر این شد که پیامبرانی در دنیا فرستاده شوند و این میثاق را به آنان یادآوری کنند. دلیل اینکه طبری این روایت را در ذیل آیه آورده آن است که از نظر وی، انسان‌ها در این دنیا هم در ربوبیت و هم الوهیت مبتلا به شرک هستند و خداوند چون این را می‌دانست، از آنان عهد و پیمان گرفت تا در روز قیامت، کسی نتواند اعتراض کند و بگوید: من به ربوبیت و الوهیت خداوند گواهی ندادم.

### ۳. سوره یونس آیه ۳۱

یکی از آیات که از نظر وهابی‌ها بر توحید مشرکان در ربوبیت دلالت دارد، آیه ۳۱ سوره یونس است. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يَدَبِّرُ الْأُمُورَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین، روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک و خالق گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور جهان را تدبیر می‌کند؟ به‌زودی در پاسخ می‌گویند: خدا؛ بگو: پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید و از خدا نمی‌ترسید؟!﴾

وهابی‌ها این آیه را دلیل بر توحید ربوبی مشرکان می‌دانند؛ زیرا با وجود اینکه مشرکان خدا را نمی‌پرستند ولی او را رازق و مالکِ سمع و بصر و احیاکننده و میراننده و مدبر امور می‌دانند و این امور را به بت‌ها و معبودانشان نسبت نمی‌دهند.<sup>۱</sup>

عبدالرحمن سعدی از علمای وهابی در تفسیر آیه چنین می‌نویسد:

﴿قُلْ، لَهُؤُلَاءِ الَّذِينَ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ، مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا مُحْتَجًّا عَلَيْهِمْ بِمَا أَقْرَأُوا بِهِ مِنْ تَوْحِيدِ الرَّبُّوبِيَّةِ، عَلَى مَا أَنْكَرُوهُ مِنْ تَوْحِيدِ الْأُلُوْهِيَةِ﴾ «مَنْ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ

۱. حازمی، أحمد بن عمر، شرح القواعد الأربع، ص ۱۳-۱۲.

وَالْأَرْضِ)... فَإِنَّكَ إِذَا سَأَلْتَهُمْ عَنْ ذَلِكَ «فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ»، لَأَنَّهُمْ يَعْتَرِفُونَ بِجَمِيعِ ذَلِكَ، وَأَنَّ اللَّهَ لَا شَرِيكَ لَهُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْمَذْكُورَاتِ فَقُلْ لَهُمْ إِلْزَامًا بِالْحُجَّةِ «أَفَلَا تَتَّقُونَ» اللَّهُ فَتَخْلُصُونَ لَهُ الْعِبَادَةَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَتَخْلَعُونَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ مِنَ الْأَنْدَادِ وَالْأَوْثَانِ»؛<sup>۱</sup> خداوند می‌فرماید: ای پیامبر، (به این مشرکان که به توحید ربوبی اقرار کردند و منکر توحید الوهی شدند)، این چنین برای آنان حجت بیاور و به آنان بگو: چه کسی به شما از آسمان و زمین روزی می‌دهد؛ پس در جواب تو می‌گویند: الله تمام این نعمت‌ها را به ما داده و او در هیچ‌کدام از اینها شریکی ندارد؛ پس ای پیامبر! از باب الزام حجت به آنان بگو: آیا از خدا نمی‌ترسید و آیا عبادت را برای او خالص نمی‌کنید و عبادت انداد و اوثان را رها نمی‌کنید؟

بنابراین روشن گردید، علمای وهابی این آیه را دلیل بر توحید ربوبی مشرکان می‌دانند و می‌گویند: خداوند پس از آنکه از آنها اقرار به توحید ربوبی می‌گیرد، از آنان می‌خواهد که دست از عبادت غیر او بردارند و عبادت را برای او خالص کنند.

### نقد

با بررسی برخی از آیات قرآن، روشن خواهد شد، هرچند مشرکان به ربوبیت خداوند اقرار می‌کردند، ولی در ربوبیت موحد نبودند و آنان غیر از خدا، کسانی دیگر را به‌عنوان رب خودشان برمی‌گزیدند؛ چراکه اگر در ادعای خودشان صادق بودند و خدا را تنها رب خودشان می‌دانستند، نباید به سراغ عبادت غیر خدا می‌رفتند.

طبری در ذیل عبارت «فسيقولون الله»، در وصف شرک ربوبی آنان چنین می‌نویسد: «يقول: أفلا تخافون عقاب الله على شرككم وإدعائكم ربا غير من هذه الصفة صفة، وعبادتكم معه من لا يرزقكم شيئا، ولا يملك لكم ضرا ولا نفعا، ولا يفعل فعلا؟»؛<sup>۲</sup> خدا می‌گوید: ای پیامبر، به آنان بگو: برای او شریک در ربوبیت قائل شدید و کسانی که به شما روزی نمی‌دهند و مالک نفع و ضرر شما نیستند و کاری را انجام نمی‌دهند را عبادت کردید؟ آیا به‌خاطر این کار، از عقاب خداوند نمی‌ترسید؟

همان‌طور که مشاهده می‌شود، طبری برخلاف وهابیت (که به این آیه برای استدلال

۱. سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۳۶۳.

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۵، ص ۸۴.

بر توحید ربوبی استناد می‌کنند)، آیه را دلیل بر شرک ربوبی مشرکان می‌داند و می‌گوید: خداوند به آنان می‌فرماید: شما که اقرار دارید که تدبیر امور به‌دست من است؛ پس چرا به سراغ غیر می‌روید و آنان را ارباب خود انتخاب می‌کنید؟ لذا معلوم می‌شود که آنان در ادعای خود صادق نبودند و کسانی را عبادت می‌کردند که معتقد به ربوبیتشان بودند.

#### ۴. سوره حج آیه ۴۰

آیه دیگری که وهابیت دلیل بر توحید ربوبی مشرکین می‌دانند، آیه ۴۰ سوره مبارکه حج است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدَ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست! و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیین او دفاع نمایند)، یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

حمود بن عبدالله التویجری<sup>۱</sup> از علمای وهابی، این آیه را دلیل بر توحید ربوبی مشرکان می‌داند و از محمد بن عبدالوهاب نقل کرده که وی ربوبیت در آیه را، به‌معنای الوهیت می‌داند. تویجری می‌نویسد:

«لأنه قد صرح أن توحيد الربوبية وتوحيد الألوهية يجتمعان عند الأفراد؛ مثل قول القائل: مَنْ رَبُّكَ؛ معناه: مَنْ إلهك الذي تعبد؟ ثم وضع ذلك بأن الربوبية التي أقر بها المشركون ما يمتحن بها أحد، وكذلك قوله تعالى: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾... قال: "فالربوبية في هذا هي الألوهية".<sup>۲</sup>

او (یعنی محمد بن عبدالوهاب) تصریح کرده است، اگر توحید ربوبیت و الوهیت به تنهایی ذکر شوند، معنای دیگری را هم با خود دارد. مثلاً عبارت: «مَنْ رَبُّكَ»

۱. شیخ حمود بن عبدالله بن حمود التویجری، متوفای ۱۴۱۳ق است که از کودکی به تحصیل علوم دینی مشغول شد و از محضر عالمانی مانند صالح بن عبدالعزیز آل‌شیخ کسب فیض کرد و کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآورد.

۲. تویجری، حمود بن عبدالله، القول البلیغ فی التحذیر من جماعة التبلیغ، ص ۳۰۳.

معنای «مَنْ إِلَهَكَ» را دارد؛ سپس می‌گوید: کسی به توحید ربوبی که مشرکان به آن اقرار دارند، امتحان نمی‌شود. همین‌طور ربوبیت در آیه: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»، به معنای الوهیت است.

اینکه تویجری، رب در آیه را به معنای اله می‌داند، به این علت است که نزاعی بر سر ربوبیت نیست و اعتقاد به ربوبیت خدای متعال نمی‌تواند، دلیل اخراج آنان از دیارشان باشد؛ از نظر او آنچه موجب اخراج آنان بود، اعتقاد آنان به توحید خداوند در عبادت است که مشرکین آن را قبول نداشتند.

### نقد

علمای وهابی با استناد به ظاهر برخی از آیات، به توجیه آیاتی که بر شرک ربوبی مشرکان دلالت دارد، پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال، آیاتی که دلالت بر شرک ربوبی دارد را به شرک الوهی معنا می‌کنند؛ در حالی که اولاً، همه آیات باید در کنار هم دیده شوند و دیدن برخی از آیات و چشم بستن بر برخی دیگر، صواب نمی‌باشد؛ با کنار هم گذاشتن هر دو دسته آیات، چنین می‌توان نتیجه گرفت، آیاتی که صریحاً از شرک ربوبی مشرکین سخن می‌گوید، به منزله خاص، و آیاتی که از اقرار کلی آنان سخن می‌گوید، به منزله عام است؛ البته خاص، مقدم بر عام است؛ یعنی آیاتی که از اقرار کلی آنان سخن می‌گوید، بر عدم اعتقاد مشرکان به آنچه می‌گویند حمل می‌شود.

ثانیاً آیاتی که وهابی‌ها به آن استناد کردند، اگرچه از اقرار مشرکان به ربوبیت الله حکایت دارد، ولی از آن توحید ربوبی استفاده نمی‌شود؛ به بیان دیگر، اگرچه مشرکان خداوند را رب می‌دانند و به آن اقرار می‌کنند، ولی این منافات ندارد که در کنار خدا، قائل به ربوبیت دیگر موجودات نیز باشند؛ چنانچه قرآن از این حقیقت خبر می‌دهد و بیان می‌کند، مشرکان معبودان خود را ارباب خود می‌دانستند و از آنان طلب حاجت می‌کردند؛ لذا با کسانی که معتقد به توحید ربوبی بودند، مخالفت می‌کند؛ همان‌طور که طبری در ذیل آیه ۴۰ سوره حج می‌نویسد:

«يقول تعالى ذكره: لم يخرجوا من ديارهم إلا بقولهم: ربنا الله وحده لا شريك له»<sup>۱</sup>؛ خداوند می‌فرماید: مومنین از دیار خود اخراج نشدند؛ مگر به این دلیل که گفتند: رب ما فقط الله است و شریکی برای او (در ربوبیت) نیست.

با دقت در عبارات طبری به‌دست می‌آید، نه تنها مشرکین توحید ربوبی نداشتند، بلکه با کسانی که ربوبیت الله را قبول کرده بودند، دشمنی داشتند و علت اخراج مومنین از دیارشان این بود که آنان الله را به‌عنوان رب برای خود برگزیده بودند.

### نتیجه

علمای وهابی با استناد به برخی از آیات، قائل به توحید ربوبی مشرکان شدند؛ در حالی که بیان شد، این آیات هرچند از اقرار مشرکان به ربوبیت الله خبر می‌دهد، ولی هیچ دلالتی بر توحید آنان در ربوبیت ندارد؛ علاوه بر این، وهابی‌ها از آیات دیگری که علت دشمنی مشرکان با موحدان را اعتقاد به ربوبیت الله می‌داند، غفلت کردند. طبری (از مفسران اهل سنت)، با در نظر گرفتن مجموع آیات قرآن به این نتیجه رسید که مشرکان، علاوه بر اینکه در عبودیت خدای متعال مشرک بودند، در ربوبیت او نیز مبتلا به شرک بودند و با بررسی دیدگاه طبری در تفسیر چند آیه، روشن گردید که مشرکان با وجود اینکه به ربوبیت خدای متعال عالم بودند و به ربوبیت خدا اقرار هم می‌کردند، ولی با این حال معتقد به ربوبیت معبودان خود بودند و نفع و ضرر خود را به‌دست آنها می‌دانستند؛ لذا به‌خاطر اینکه مشرکین در ربوبیت الله مبتلا به شرک بودند، دعوت انبیا منحصر در توحید عبودی نبود و علاوه بر آن، برای مبارزه با شرک ربوبی نیز به‌سوی بندگان مبعوث شده بودند.

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۸، ص ۶۴۶.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن تیمیه حرانی، أحمد بن عبدالحلیم، **الاستقامة**، محقق: محمد رشاد سالم، مدینه: جامعة الإمام محمد بن سعود، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن عبدالوهاب، محمد، **الرسائل الشخصية**، محقق: صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان، محمد بن صالح العیلقی، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، المملكة العربية السعودية، بی تا.
۵. ابن عبدالوهاب، محمد، **تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید الذی هو حق الله علی العبد**، محقق: زهیر الشاویش، بیروت: المكتب الاسلامی، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۶. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **القول المفید علی کتاب التوحید**، عربستان: دار ابن الجوزی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۷. ابن فارس، احمد، **معجم مقانیس اللغة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۸. آل شیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، **البراهین الإسلامية فی رد الشبهة الفارسیة**، بی جا: مكتبة الهدیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۹. تویجری، حمود بن عبدالله، **القول البلیغ فی التحذیر من جماعة التبلیغ**، ریاض: دارالصمیمی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۰. الحارمی، أحمد بن عمر، **شرح القواعد الأربع**، [http://alhazme.net/articles.aspx?article\\_no=507](http://alhazme.net/articles.aspx?article_no=507)
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دمشق: دارالعلم، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، **تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان**، محقق: عبدالرحمن بن معلا اللویحی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تأویل القرآن**، محقق: أحمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۴. غامدی، محمد بن عبدالله، **حماية الرسول صلى الله عليه وسلم حمى التوحید**، عربستان: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية المدینة المنورة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۶ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **ترجمه قرآن**، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.